

مقایسه تحریف شناختی در نوجوانان با و بدون اضطراب جدایی

مأده سرلاتی^۱

کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی

عباس ابوالقاسمی

استاد روانشناسی دانشگاه گیلان

نادر حاجلو

استاد روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی

جهانگیر محمدی بایتمر

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه تحریف شناختی در نوجوانان با و بدون اضطراب جدایی بود. طرح پژوهش توصیفی، از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری را کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان رودسر در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۴ تشکیل می‌داند. نمونه‌ای به حجم ۱۶۰ دانش‌آموز (۸۰ دانش‌آموز دارای اختلال اضطراب جدایی و ۸۰ دانش‌آموز عادی) به صورت در دسترس انتخاب و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های اضطراب جدایی بزرگسالان (مینیکاواساگر، سیلو، و گنر و دروینی، ۲۰۰۳) و پرسش‌نامه تحریف شناختی (بک، باروچ، بالتر، استیر و وارمن، ۲۰۰۴) جمع‌آوری و با روش تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که نوجوانان مبتلا به اضطراب جدایی، تحریف‌های شناختی بیشتری نسبت به نوجوانان بهنجار داشتند ($P < 0/05$). بر این اساس می‌توان گفت وجود تحریف‌های شناختی بالاتر در نوجوانان دارای اضطراب جدایی آن‌ها را بیشتر مستعد آسیب‌های روان‌شناختی خواهند کرد.

واژه‌های کلیدی: اضطراب جدایی، تحریف شناختی، نوجوانان

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: maedeh.sarlati.ms@gmail.com

آدرس پستی: ایران، گیلان، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

وصول: ۱۳۹۵/۰۵/۰۲ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

Comparing cognitive distortion in adolescents with and without separation anxiety

Sarlati, M., Abolghasemi, A., Hajloo, N., Mohammadi Bytamar, J.

(Received: 23,07, 2016-Accepted: 05, 11, 2016)

Abstract

The aim of the present study was to investigate cognitive distortion in adolescents with and without separation anxiety (SA). A descriptive, casual-comparative design was applied. The statistical population consisted of all high school students in Roodsar city in 2014-15 out of which, 160 students (N=80 with SA, N=80 without SA) were selected via accessible sampling method. The data was collected by Adult Separation Anxiety Questionnaire (Manicavasagar, Solive, Wagner, and Drobny, 2003) and Cognitive Distortion Checklist (Aaron Beck, Baruch, Balter, Steer, Warman, 2004), and analyzed via multivariate analysis of variance. The findings showed that cognitive distortion was higher in SA adolescents ($P < 0.05$). Therefore, it can be said that the presence of cognitive distortion in SA adolescents may put them more in danger of developing psychological impairments.

Keywords: Separation anxiety, cognitive distortion, adolescents

مقدمه

اضطراب جدائی^۱، ترس و اضطراب مفرط نامتناسب با سطح رشدی فرد درباره جدائی از کسانی که فرد با آن‌ها دل‌بسته است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). تعداد قابل توجهی از بزرگسالان شروع این اختلال را بعد از ۱۸ سالگی گزارش می‌کنند (بوگلز، کناپ و کلارک^۲، ۲۰۱۳). اضطراب جدائی یک عامل خطر کلی برای رشد سایر اختلال‌های اضطرابی است (دماتیس، دینیز، هونی، شاویت، فوسالوزا، فراو و همکاران^۳، ۲۰۱۳). اختلال اضطراب جدایی^۴ (SAD) را به‌عنوان اولین اختلال همبود با اختلال وسواس فکری-عملی^۵

¹ Separation Anxiety

² Bogels, Knappe & Clark

³ De Mathis, Diniz, Hounie, Shavitt, Fossaluza, Ferrao & Et Al

⁴ Separation Anxiety Disorder

⁵ Obsesses-Compulsive Disorders

(OCD) معرفی کرده‌اند که متوسط سن شروع آن ۱۰ سال است (فرانز، رتک، هارتمن، مکولین، تورس، دوروساریو و همکاران^۱، ۲۰۱۴). مطالعه‌ای بر روی ۵۶۹۲ بزرگسال نشان داد که اختلال اضطراب جدایی بزرگسالی (ASAD)^۲ در ایالات متحده شایع است (بوگلز و همکاران، ۲۰۱۳). در مطالعه‌ای بالینی (پینی، آبالا، شیر، کاردینی، لاری، گسی و همکاران^۳، ۲۰۱۰) ۴۲/۴ درصد از بیماران سرپایی اختلال اضطرابی و خلقی مورد مطالعه نیز معیار ASAD را دریافت کردند. الگوی شروع ۲۰/۷ درصد کوکی و ۲۱/۷ درصد بزرگسالی بود. اختلال اضطراب جدایی، قبل از شروع دیگر اختلالات اضطرابی شروع و به‌عنوان نخستین اختلال محسوب می‌گردد (منیکاواساگر، سیلوو، فرانز، کورتیس، فرانز و وگنر^۴، ۲۰۰۰). در ارتباط با نقش جنسیت، در اختلال اضطراب جدایی بزرگسالی تفاوت جنسیتی کمتر است و در مردان بیشتر احتمال دارد شروع اولیه بزرگسالی گزارش شود (سیلوو، مارنان، وگنر، منیکاواساگر و رس^۵، ۲۰۱۰). نتایج مطالعه‌ای حاکی است که در بیماران با و بدون ASAD نسبت زنان به مردان بیشتر است و فقط بیماران زن سرپایی مبتلا به ASAD نمره بالا در اضطراب جدایی کسب کردند (دابکوسکا، آراسکیسز، دابکوسکا و ویلکوسک^۶، ۲۰۱۴).

یکی از متغیرهای مرتبط با اضطراب جدایی، تحریف شناختی^۷ است. تحریف شناختی اشاره به خودگویی‌های درونی دارد که نشان‌دهنده تعبیر سودار از یک رویداد است (استرومیر، روزنفیلد، دیتوماسو و رمسی^۸، ۲۰۱۶) که به دنبال این تحریفات شناختی عملکرد ناکارآمد و رفتار ناسازگار شکل می‌گیرد (این آلبن، دویی، رابی و اشنایدر^۹، ۲۰۰۶). این سوگیری‌ها دارای ماهیتی تکراری، سرزنش‌آمیز و همراه با محتوای بسیار منفی می‌باشند (پیرا، باروس و مندونکا^{۱۰}، ۲۰۱۲). بک، در کار اولیه خود در مورد افسردگی چند تحریف شناختی مهم را که می‌تواند در فرآیندهای تفکر افراد افسرده مشخص باشد، شناسایی و به

¹ Franz, Rateke, Hartmann, Mclaughlin, Torres, Do Rosa' Rio & Et Al

² Adult Separation Anxiety Disorder

³ Pini, Abelli, Shear, Cardini, Lari, Gesi & Et Al

⁴ Manicavasagar, Silove, Franzcp, Curtis, Franzcp & Wagner

⁵ Marnane, Wagner & Rees

⁶ Dabkowska, Araszkiwicz, Dabkowska & Wilkosc

⁷ Cognitive Distortions

⁸ Strohmeier, Rosenfield, Ditomasso & Ramsay

⁹ In Albon, Dubi, Rapee & Schneider

¹⁰ Pereira, Barros & Mendonça

دیگر مشکلات روانی از جمله اختلالات اضطرابی نیز پرداخت (نینگ، یانگ و لیو^۱، ۲۰۱۴). اغلب مطالعات در تجزیه و تحلیل نقش تحریفات شناختی در اختلالات عاطفی، بیشتر توجه خود را بر مشکلات مرتبط با افسردگی بزرگسالان متمرکز کرده‌اند. اخیراً تحقیقات بیشتری بر مدل‌های شناختی اضطراب در کودکان و نوجوانان و تأثیر تحریفات شناختی بر مراحل مختلف پردازش اطلاعات - توجه، روش تفسیر و حافظه - و چگونگی تداخل این تحریفات در حفظ اضطراب بالا، صورت گرفته است، در نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که افراد افسرده اطلاعات منفی را بیشتر انتخاب و پردازش می‌کنند و همچنین به اطلاعات مثبت کمتر توجه دارند؛ در حالی که افراد مضطرب اطلاعات مربوط به تهدید و آسیب‌پذیری شخصی را بیشتر انتخاب می‌کنند (پریرا و همکاران، ۲۰۱۲). بر اساس پژوهش بل، هالیگان، پوق و فریمن^۲ (۲۰۱۱) ارتباط قوی بین اضطراب و تحریف شناختی در هر دو جمعیت بالینی و غیر بالینی وجود دارد؛ بنابراین، اصلاح تحریفات شناختی به بهبود ارزیابی مثبت، کاهش آسیب‌پذیری به استرس و درک بهتر از عملکرد می‌انجامد (لستر، ماسز، دیویسون، بورگس و ایند^۳، ۲۰۱۱).

در ارتباط با تفاوت‌های جنسیتی در تحریف شناختی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تفاوت جنسیتی در سطوح تحریف شناختی وجود ندارد. این یافته توسط مطالعات مختلفی حمایت می‌شود (کوبان و گونی کارامن^۴، ۲۰۱۳؛ سزگین^۵، ۲۰۱۲)؛ بنابراین جنسیت به‌عنوان یک فاکتور مهم در تحریف شناختی مطرح نمی‌شود، بلکه سطوح تحریف شناختی با توجه به نقش جنسیتی اجتماعی آن‌ها متفاوت است. بر این اساس متوسط نمرات تحریف شناختی افرادی که نقش جنسیت اجتماعی آندروژنی داشتند (هم مرد و هم زن)، بالاتر از افراد با نقش جنسیتی نامتماز بود (سلیکالی و کایا، ۲۰۱۶). همچنین بلوا، سابیروا و مالیخ^۶ (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین افسردگی با تمام متغیرهای تحریف شناختی، هوش هیجانی و حوادث استرس‌زا رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد، همبستگی منفی بین تحریف شناختی، خودکارآمدی و انعطاف‌پذیری روانی وجود دارد، اگرچه رابطه معنی‌داری

¹ Ning, Yang & Liu

² Bell, Halligan, Pugh & Freeman

³ Lester, Mathews, Davison, Burgess & Yiend

⁴ Coban & Guney Karaman

⁵ Sezgin

⁶ Belova, Sabirova, & Malykh

بین جنسیت و تحریف شناختی یافت نشد (سلیکاللی و کایا، ۲۰۱۶).

شیوع اختلال اضطراب جدایی در بزرگ سالی اغلب ناتوان کننده است و بخش قابل توجهی از بزرگ سالان شروع این اختلال را در بزرگ سالی گزارش می کنند (بوگلز و همکاران، ۲۰۱۳). از طرفی نیز رفتارهای مطابق با تحریف شناختی منجر به یک مجموعه رفتارهای محدود، فرصت های کمتر برای دسترسی به منابع تقویتی جدید، افزایش استرس های روحی- روانی و بدون کنترل و رفتارهای ناسازگارانه مداوم می شود. بر این اساس، ارزیابی تحریف شناختی به عنوان یک راهبرد برای ارتقای شناخت تطبیقی تر و قابل انعطاف تر، پاسخ به محیط و تحمل کردن فعالیت هایی که در طول تاریخ منجر به اختلالات عاطفی و اجتنابی شده است، ضروری است (استرومیر و همکاران، ۲۰۱۶). از آنجا که بر اساس نتایج برخی از مطالعات اختلال اضطراب جدایی پیش بین شروع سایر اختلالات اضطرابی است و همچنین این اختلالات با اختلالات مهمی نظیر اختلالات اضطرابی و افسردگی همبود است و می تواند در تشخیص، سیر و پیش آگهی این وضعیت های بالینی نقش داشته باشد (سیلوو و همکاران، ۲۰۱۰؛ منیکاوآساگر و همکاران، ۲۰۰۰)، از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که تا چه اندازه بین نوجوانان با و بدون اضطراب جدایی در میزان تحریف های شناختی تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش

مطالعه حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان رودسر در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۴ بود. در مرحله اول به منظور غربالگری پرسش نامه اضطراب جدایی مانیکاوآساگر و همکاران (۲۰۰۳) بر روی ۵۰۰ نفر از دانش آموز دبیرستانی به صورت نمونه گیری در دسترس اجرا و ۱۰۳ نوجوان دارای اختلال اضطراب جدایی شناسایی شد (با نمره برش ۶۰) در مرحله دوم به صورت تصادفی ساده از بین دانش آموزان با و بدون اختلال اضطراب جدایی نمونه ای به حجم ۱۶۰ نفر (۸۰ نفر دارای اختلال اضطراب جدایی و ۸۰ نفر دانش آموز عادی) انتخاب شدند.

ابزار

پرسش نامه اضطراب جدایی ASA: این پرسش نامه توسط مانیکاوا ساگر و همکاران در سال ۲۰۰۳ ساخته شد که شامل ۲۷ سؤال خود گزارشی که تجربه علائم اضطراب جدایی پس از ۱۸ سالگی را بررسی می کند. این سؤالات با یک مقیاس لیکرتی ۴ درجه ای پاسخ داده می شوند. پایایی پرسش نامه اضطراب جدایی بزرگ سالان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و بالا گزارش شده است، همین طور ضریب پایایی باز آزمایی پرسش نامه اضطراب جدایی بزرگ سالان ۰/۸۷ به دست آمده است (مانیکاوا ساگر، سیلوو، و گنر و دروبنی، ۲۰۰۳).

ضریب پایایی همسانی درونی نسخه فارسی این پرسش نامه ۰/۸۷ به دست آمده و اعتبار محتوایی به وسیله پنج متخصص (دو روان پزشک، دو روانشناس بالینی و یک متخصص روان سنجی) مورد تأیید قرار گرفت (خورشیدوند، رحیمیان بوگر و طالع پسند، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ پایایی پرسش نامه اضطراب جدایی ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسش نامه تحریف شناختی: این مقیاس توسط کربلایی و میگونی (۱۳۸۰) ساخته شده است که شامل ۵۰ سؤال، ۵ موقعیت و ۱۰ زیر مقیاس شامل: تفکر همه یا هیچ، تعمیم مبالغه آمیز، فیلتر ذهنی، بی توجهی به امر مثبت، نتیجه گیری شتاب زده، درشت بینی - ریزینی، استدلال احساسی، بایدها، برچسب زدن و شخصی سازی است. این پرسش نامه قلم و کاغذی بوده و برای هر یک از خطاهای شناختی ده گانه پنج گزینه مناسب تدوین شده است. از آزمودنی خواسته می شود با تصور ذهنی و قرار دادن خود در فضای ترسیم شده به شکل خیالی، از بین ۵ حالت تنها برای هر عنوان یکی را به دلخواه انتخاب نماید. پاسخ کاملاً موافق ۴ نمره، موافق ۳ نمره، ب نظر ۲ نمره و مخالف ۱ نمره و کاملاً مخالف صفر نمره تعلق می گیرد. نمرات بالا (موافق و کاملاً موافق) در مقایسه با هنجار آزمون دلالت بر وجود خطای مذکور دارند (کربلایی و میگونی، ۱۳۸۰). در پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ها را دامنه ای از ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی پرسش نامه تحریف شناختی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۲ به دست آمد.

روش اجرا: بعد از دریافت معرفی نامه از دانشگاه محقق اردبیلی به مدارس دبیرستان پسرانه

¹ Manicavasagar, Silove, Wagner, & Drobny

و دخترانه شهرستان رودسر در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۴ مراجعه شد و به منظور غربالگری پرسش نامه اضطراب جدایی مانیکاوا ساگر و همکاران (۲۰۰۳) بر روی ۵۰۰ نفر از دانش آموز دبیرستانی با رعایت اصول اخلاقی و اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات اجرا و با در نظر گرفتن نقطه برش ۶۰ نوجوانان دارای اختلال اضطراب جدایی شناسایی شد (۱۰۳ نفر). در مرحله دوم به صورت تصادفی ساده ۸۰ دانش آموزان دارای اختلال اضطراب جدایی و ۸۰ دانش آموز بدون اختلال اضطراب جدایی با کنترل متغیرهایی جمعیت شناختی (جنسیت و پایه تحصیلی) انتخاب و سپس پرسش نامه تحریف شناختی با رعایت اصول اخلاقی اجرا و داده های به دست آمده جمع آوری شد. به منظور تحلیل داده های پژوهش از روش های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و به منظور مقایسه رفتارهای تحریف شناختی در نوجوانان با و بدون اضطراب جدایی از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. داده های با استفاده از نرم افزار SPSS-20 تحلیل شدند.

یافته ها

از مجموع ۵۰۰ نفر دانش آموز دوره متوسطه ۵۲ درصد دختر و ۴۸ درصد پسر بودند. در مجموع ۳۳/۳ درصد دانش آموزان با اضطراب جدایی و ۶۶/۷ درصد دانش آموزان بدون اضطراب جدایی بودند که به صورت تصادفی ساده از هر گروه ۸۰ نفر انتخاب و در مجموع ۱۶۰ نفر انتخاب شد. ویژگی های جمعیت شناختی گروه های مورد مطالعه در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. فراوانی، درصد و مقایسه گروه های مورد مطالعه بر اساس جنسیت و پایه تحصیلی

P.value	نوجوانان بدون اضطراب جدایی		نوجوانان با اضطراب جدایی		متغیر	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۰/۸۱۲	۴۸/۷۵	۳۹	۵۲/۵	۴۲	جنسیت	دختر
	۵۱/۲۵	۴۱	۴۷/۵	۳۸		پسر
	۱۰۰	۸۰	۱۰۰	۸۰		کل
۰/۵۲۷	۰	۰	۵	۴	پایه تحصیلی	سال اول متوسطه
	۵۲/۵	۴۲	۴۷/۵	۳۸		سال دوم متوسطه
	۴۷/۵	۳۸	۴۷/۵	۳۸		سال سوم متوسطه
	۱۰۰	۸۰	۱۰۰	۸۰		کل

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود با توجه به آزمون‌های دو بین دو گروه از لحاظ متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($P > 0.05$) که نشان می‌دهد گروه‌های مورد مطالعه از نظر ویژگی‌های جمعیت شناختی همگن بودند. میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های تحریف شناختی در گروه‌های مورد مطالعه در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار تحریف شناختی در گروه‌های مورد مطالعه

متغیر	نوجوانان با اضطراب جدایی		نوجوانان بدون اضطراب جدایی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تفکر همه‌یاهیچ	۵/۶	۱/۴	۴/۸	۱/۶
تعمیم مبالغه‌آمیز	۷/۲	۱/۹	۴/۴	۲
فیلتر ذهنی	۷/۲	۲	۶	۲
بی‌توجهی به امر مثبت	۷/۷	۱/۷	۶/۹	۲/۲
نتیجه‌گیری شتاب‌زده	۶/۹	۲	۵/۸	۱/۸
درشت‌بینی - ریزبینی	۶/۴	۱/۵	۵/۶	۱/۷
استدلال احساسی	۶/۷	۱/۹	۶	۱/۶
بایدها	۶/۲	۱/۸	۴/۳	۱/۸
برچسب زدن	۷/۹	۲	۶/۲	۲/۶
شخصی‌سازی	۷/۵	۱/۸	۶/۵	۲/۲
کل	۶۹/۳	۱۷/۹	۵۶/۴	۱۹/۳

با توجه به نتایج جدول ۲ میانگین تمام مؤلفه‌های تحریف شناختی در گروه نوجوانان با اضطراب جدایی بیشتر از گروه نوجوانان بدون اضطراب جدایی بود. به‌منظور مقایسه میانگین‌های گروه‌های مورد مطالعه در میزان تحریف‌های شناختی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

جدول ۳. نتایج تجزیه و تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA)

منبع	شاخص	ارزش	F	سطح معناداری	اتا
گروه	لامبدای ویلکز	۰/۶۵۴	۲۵/۸	۰/۰۰۰	۰/۳۴۶

نتایج لامبدای ویلکز نشان می‌دهد که ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی‌دار است ($P < 0/01$). این نتایج نشان می‌دهد میان دانش آموزان دارای اختلال اضطراب جدایی و بهنجار، از نظر متغیر وابسته (تحریف‌های شناختی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مجذور اتا (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنی‌دار است و میزان این تفاوت ۰/۳۴۶ است؛ یعنی ۳۴/۶ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه ناشی از متغیرهای وابسته است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری بر روی تحریف‌شناختی در نوجوانان با و بدون اضطراب جدایی

متغیر	SS	DF	MS	F	P	اتا	توان آماری
تفکر همه‌یاهیج	۲۴/۰۰۰	۱	۲۴/۰۰۰	۱۰/۸۳۹	۰/۰۰۱	۰/۰۶۸	۰/۹۰۵
تعمیم مبالغه‌آمیز	۲۹۱/۲۰۷	۱	۲۹۱/۲۰۷	۷۶/۷۷۲	۰/۰۰۱	۰/۳۴۲	۱/۰۰۰
فیلتر ذهنی	۵۴/۰۰۰	۱	۵۴/۰۰۰	۱۳/۳۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۸۳	۰/۹۵۳
بی‌توجهی به امر مثبت	۲۲/۴۲۷	۱	۲۲/۴۲۷	۵/۸۵۵	۰/۰۱۷	۰/۰۳۸	۰/۶۷۱
نتیجه‌گیری شتاب‌زده	۴۷/۰۴۰	۱	۴۷/۰۴۰	۱۳/۵۵۷	۰/۰۰۱	۰/۰۸۴	۰/۹۵۵
درشت‌بینی - ریزبینی	۲۴/۸۰۷	۱	۲۴/۸۰۷	۹/۴۱۳	۰/۰۰۳	۰/۰۶۰	۰/۸۶۲
استدلال احساسی	۱۶/۶۶۷	۱	۱۶/۶۶۷	۵/۵۵۰	۰/۰۲۰	۰/۰۳۶	۰/۶۴۸
بایدها	۱۳۶/۳۲۷	۱	۱۳۶/۳۲۷	۴۱/۹۸۷	۰/۰۰۱	۰/۲۲۱	۱/۰۰۰
برچسب زدن	۱۱۰/۹۴۰	۱	۱۱۰/۹۴۰	۲۱/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۱۲۴	۰/۹۹۵
شخصی‌سازی	۴۰/۵۶۰	۱	۴۰/۵۶۰	۱۰/۳۲۶	۰/۰۰۲	۰/۰۶۵	۰/۸۹۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین نمرات مؤلفه‌های تحریف شناختی در نوجوانان دارای اختلال اضطراب جدایی به‌طور معناداری بیشتر از نوجوانان بدون اضطراب جدایی است ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به منظور مقایسه تحریف شناختی در نوجوانان با و بدون اضطراب جدایی انجام گرفت. این مطالعه تحریف‌های شناختی و باورهای نادرست را در نوجوانان با اضطراب

جدایی در مقایسه با نوجوانان بدون اضطراب جدایی مورد بررسی قرار داد. نتایج این مطالعه نشان داد که تعریف‌های شناختی در نوجوانان دارای اختلال اضطراب جدایی، بیشتر از نوجوانان بدون اضطراب جدایی بود. این یافته با نتایج مطالعه بک و همکاران همسو است که با توجه به مدل‌های شناختی نشان دادند، تعریف‌های شناختی در ایجاد اختلالات عاطفی اثرگذار هستند و نقش محوری در عملکرد روانی افراد افسرده و مضطرب بازی می‌کنند (پیرا و همکاران، ۲۰۱۲). تعریف‌شناختی باعث مختل شدن رفتار خودتنظیمی می‌شود و پیامد روان‌شناختی مختلفی مانند استرس و اضطراب به وجود می‌آورد. تعریفات شناختی اهمیت بسزایی دارند؛ چراکه طرح‌ها و اعتقادات مهم یک فرد موضوع تعریفات شناختی هستند. اغلب طرح‌ها از کودکی شروع می‌شوند و فرآیندهای فکر که گاه از این طرح‌ها پشتیبانی می‌کنند، اشتباهات دوران کودکی را منعکس نمایند. تعریفات شناختی زمانی ظاهر می‌شود که پردازش اطلاعات غلط یا غیر مؤثر است. به عبارت دیگر، گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن افراد تعریف می‌شود. این نوع تعریف‌ها که خطاها و تعریف‌های شناختی نامیده می‌شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می‌گردند. این تعریفات اگر متناوباً و با دفعات رخ دهند، می‌توانند منجر به ناراحتی‌ها و اختلالات روان‌شناختی و رفتارهای نابهنجار شوند (مشمول‌حاجی آقا و ابوالقاسمی، ۱۳۹۵).

سبک‌های شناختی در پردازش حوادث زندگی به شیوه‌ای سیستماتیک و سازگار عمل می‌کنند. سؤالی که به دنبال آن مطرح می‌شود مربوط به سنی است که سبک‌های شناختی شکل می‌گیرد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که این سبک‌ها در دوره نوجوانی ثبات بیشتری می‌یابند. در نتیجه مطابق با تحقیقات، انواع تعریفات شناختی نیز در نوجوانان در مقایسه با کودکان بیشتر رخ می‌دهد. یک دلیل برای این نتیجه مربوط به ظرفیت‌های انعکاسی بالاتر، در نوجوانان است. نوجوانان به دلیل مهارت‌های شناختی، بیشتر قادرند در مورد حوادث، علت پدید آبی این حوادث، پیامدهای ناشی از آن و همچنین رابطه بین رویدادهای مختلف تأمل کنند؛ بنابراین می‌توان فرض کرد که شرح و تفکر بیشتر در مورد علل رویدادها و موقعیت‌ها، احتمال خطاهای شناختی را نیز در یک روش سیستماتیک‌تر افزایش می‌دهد. البته تا حدی هم از این فرضیه حمایت می‌شود که پردازش‌های سودار با افزایش سن پایدارتر می‌شوند؛ بنابراین پس از

شکل‌گیری الگوهای شناختی در نوجوانان، این الگوها به‌عنوان یک فیلتر کار هدایت توجه و پردازش منابع اطلاعات مربوط به تهدید را بر عهده می‌گیرند؛ که این منجر به بروز رفتارهای اجتنابی مخصوصاً در افراد مضطرب می‌شود. این الگوها در طول زمان بیشتر شکل می‌گیرند و در مقابل تغییرات سخت و دشوار هستند (پیرا و همکاران، ۲۰۱۲).

به اعتقاد بک و های^۱ (۲۰۱۴)، افراد فرآیندهای تفکر اختصاصی و متفاوتی را تجربه می‌کنند. برای مثال تفکر افراد افسرده با تفکر افراد مضطرب متفاوت است. به‌علاوه، ممکن است افکار اضطراب‌آور یک فرد با فرد دیگر تفاوت داشته باشد. در واقع می‌توان گفت که بین انسان‌ها تفاوت‌های فردی وجود دارد و افراد از وقایع، تعبیر و تفسیرهای متفاوتی دارند. به همین دلیل تعداد و نوع سازه‌های ذهنی و شناختی آنان با یکدیگر فرق می‌کند. همچنین، تحریف‌های شناختی یا خطاهای پردازش اطلاعات در تبدیل شناخت‌ها به منبع نگرانی و تضاد در زندگی افراد نقش دارند. این تحریف‌ها باعث بروز نقص بیشتر در انطباق و سازگاری فرد با موقعیت‌های پرفشار و استرس‌زا می‌گردند (استیرمن، پونتوسکی، کرید، ژزو، اوانس، بک و همکاران^۲، ۲۰۱۵). در نتیجه، تغییر در تحریف‌های شناختی موجب کاهش اضطراب و عواطف منفی و همچنین افزایش امید می‌گردد (شریعتمدار و غروی، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، بسیاری از مطالعات بر رابطه مثبت بین تحریف‌شناختی و اضطراب در کودکان و نوجوانان تأکید دارند (پیرا و همکاران، ۲۰۱۲). مطالعات زیادی در مورد تحریفات شناختی در کودکان و بزرگسالان مضطرب و یا تأثیر آن بر اختلالات اضطرابی انجام گرفته؛ ولی بطور خاص، پژوهشی در زمینه تحریفات شناختی در نوجوانان با اختلال اضطراب جدایی در دسترس نیست. لذا با توجه به یکی بودن ملاک‌های تشخیصی اختلال اضطراب جدایی در کودکان و نوجوانان مبتنی بر DSM-5 (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳)، ما بر نتایج حاصل از تحقیقات در مورد اضطراب جدایی از مادر در کودکان و تأثیرات آن بسنده می‌کنیم. در واقع، یکی از اضطراب‌های دوران کودکی، جدایی کودک از مادرش است که تصور می‌شود این مسئله تأثیراتی را بر رشد او و همچنین تغییراتی را در واکنش‌های استرسی و عاطفی پایدار بر اعصاب و غدد، در بزرگسالی، بر جای گذارد در نتیجه، جدایی کودک از

¹ Beck & Haigh

² Stirman, Pontoski, Creed, Xhezo, Evans, Beck & Et Al.

مادر در کودکی آسیب‌پذیری‌های روانی همچون انواع اختلالات اضطرابی و افسردگی را در بزرگ‌سالی به دنبال دارد (هالشاف، نواتی، اسگوئفو، لویتن، بوئر و میرلو^۱، ۲۰۱۱).

بک و همکاران با توجه به مدل‌های شناختی نشان دادند افرادی که تحت تأثیر تحریفات شناختی به تفسیر رویدادها، نسبت دادن علل حوادث و پیش‌بینی حوادث آینده می‌پردازند، بیشتر مستعد ابتلا به اختلالات روانی هستند. شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که سبک اسناد بدبینانه با اضطراب صفت بالا، ملال، اضطراب و افسردگی بالینی در ارتباط است. در واقع افرادی که رویدادهای آینده را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کنند، احتمال پیش‌آمد رویدادهای منفی بیشتر خواهد بود؛ زیرا آن‌ها به صورت سیستماتیک نشانه‌های مبهم را به گونه‌ای تهدیدآمیز تفسیر می‌کنند. تحریفات شناختی نقش برجسته‌ای در طیف وسیعی از اختلالات، به ویژه اضطراب و افسردگی بازی می‌کند و باعث بروز نقص بیشتر در انطباق و سازگاری فرد با موقعیت‌ها می‌شود (الوندی، سرابی، زارع، علی‌پور و عرفانی، ۱۳۹۵) و اصلاح تحریفات شناختی در جهت مثبت به بهبود اضطراب صفت و اضطراب اجتماعی و ارزیابی مثبت در مورد عملکرد شخصی می‌انجامد (لستر و همکاران، ۲۰۱۱). در نتیجه، این داده‌ها این مطلب را عنوان می‌کنند که با شروع نوجوانی درمان اختلالات اضطرابی به‌عنوان جزئی از مداخله در جهت اصلاح الگوهای شناختی ناکارآمد ضروری خواهد بود؛ و به نظر می‌رسد بررسی تحریفات شناختی در نوجوانان و رسیدگی آن‌ها در افراد با اختلال اضطراب جدایی حائز اهمیت بالا باشد.

در مجموع نتایج این مطالعه نشان داد که افراد مبتلا به اختلال اضطراب جدایی در مقایسه با افراد عادی نگرش‌های ناکارآمد، مفروضات و باورهای سوگیرانه بیشتری درباره خود، جهان محیط و آینده دارند. این نتیجه به این معناست که فرآیندهای شناختی سودار و خطاهای شناختی منجر به عملکرد ناکارآمد و رفتار ناسازگار می‌شود که ممکن است در تشدید و تداوم خصوصیات بالینی این اختلال نقش داشته باشد، بنابراین توجه به این عوامل در ارزیابی و مداخله در این اختلال ضرورت دارد. اجرای پژوهش در شهر رودسر و محدود بودن تعمیم نتایج پژوهش به سایر مناطق و همچنین عدم استفاده از مصاحبه بالینی از مهم‌ترین

¹ Hulshof, Novati, Sgoifo, Luiten, Boer & Meerlo

محدودیت‌های این پژوهش بود. به دلیل هم‌ابتلائی اختلالات روانی، یافتن بیماران مبتلابه اختلال اضطراب جدایی خالص مشکل بود. پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده نمونه‌گیری به صورت تصادفی و از گروه‌های مختلف صورت گیرد تا محدودیت‌های ناشی از آن برطرف شود.

منابع

الوندی سرابی، محمد؛ زارع، حسین؛ علی‌پور، احمد؛ عرفانی؛ نصرالله (۱۳۹۵). پیش‌بینی تحریف‌های شناختی بر اساس باورهای غیرمنطقی و همجوشی شناختی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی. دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۷۶

انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۲۰۱۳). متن تجدیدنظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی. یحیی سید محمدی (۱۳۹۳). چاپ پنجم. تهران. انتشارات روان.

خورشیدوند، زینب؛ رحیمیان بوگر، اسحاق؛ طالع پسند، سیاوش. (۱۳۹۴). مقایسه ابعاد سرشتی-منشی شخصیتی بیماران دارای اختلال اضطراب جدایی بزرگ‌سالی با افراد سالم. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال ۲۱. شماره ۳، صص ۱۹۳-۲۰۱.

غروی، زهرا؛ شریعتمدار، آسیه (۱۳۹۴). مقایسه تحریف‌های شناختی در افراد دارای معلولیت جسمی-حرکتی با تحمل پریشانی بالا و پایین. سال چهاردهم. شماره ۵۵. مجله پژوهش‌های مشاوره.

کربلایی، داوود؛ میگونی، محمد (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی رابطه بین خوشه‌های اختلال شخصیت و خطاهای شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.

مشمول‌حاجی آقا، صمد؛ ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۵). مقایسه خطرپذیری و تحریف شناختی در دانش‌آموزان با و بدون گرایش به اعتیاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء‌مصرف مواد. دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص ۱۰۳-۱۱۲.

Beck, A.T. & Haigh, E.A.P. (2014). Advances in cognitive theory and therapy: the generic cognitive model. *Annual Review of Clinical Psychology*, 10, 1-24.

Bell, V., Halligan, P.W., Pugh, K. & Freeman, D. (2011). Correlates of perceptual distortions in clinical and non-clinical populations using the Cardiff Anomalous Perceptions Scale (CAPS): Associations with anxiety and depression and a re-validation using a representative population sample. *Psychiatry Research*, 189, 451-457.

Belova, A., Sabirova, E., & Malykh, S. (2014). The linkage between stressful life events, emotional intelligence, cognitive errors and depressiveness in adolescents. *Procedia. Social and Behavioral Sciences*, 146, 105-111.

Bögels, M., Knappe, S., Clark, L. (2013). Adult separation anxiety disorder in DSM-5. *Clin Psychol Rev*. 33, 663-674.

Celikaleli, O. & Kaya, S. (2016). University Students Resilience, and Emotional Self-Efficacy According to Sex and Gender Role. *Pegan Eğitim Ve Öğretim Dergisi*. 6(2), 187-212.

Coban, A. E. & Guney Karamann, N. (2013). Interpersonal Cognitive Distortions, the Level of Anxiety and Haplessness of University Student. *Journal of Cognitive-Behavioral Psychotherapy and Research*, 2(2), 78-88.

Çoban, E. A. (2013). Interpersonal cognitive distortions and stress and coping strategies to late Adolescents. *Eğitim Araştırmaları-Eurasian Journal of Educational Research*, 51, 65-84.

- Dabkowska, A., Araszkiwicz, A., Dabkowska, A. & Wilkosc, M. (2014). Separation Anxiety in Children and Adolescents. *By Evelyn Ramirez*. 6, 2-10.
- De Mathis, M.A., Diniz, J.B., Hounie, A.G., Shavitt, R.G., Fossaluza, V., Ferrão, Y. & et al. (2013). Trajectory in obsessive-compulsive disorder comorbidities. *Eur Neuropsychopharmacol*. 23(7), 594–601.
- Franz, A.P., Rateke, L., Hartmann, T., McLaughlin, N., Torres, A.R., do Rosa´rio, M.C & et al. (2014). Separation anxiety disorder in adult patients with obsessive-compulsive disorder: Prevalence and clinical correlates. *European Psychiatry*. 10, 4-7.
- Hulshof, H., Novatic, A., Sgoifod, A. & Luitena. (2011). Maternal Separation decreases adult hippocampal cell proliferation and impairs cognitive performance but has little effect on stress sensitivity and anxiety in adult Wistar rats. *Behavioral Brain Research*. 216, 552-560.
- In-Albon, T. & Schneider, S. (2006). Psychotherapy of childhood anxiety disorder: A meta-analysis. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 76, 15-24.
- Lester, K.J., Mathews, A., Davison, P., Burgess, J. & Yiend, J. (2011). Modifying cognitive errors promotes cognitive wellbeing: A new approach to bias modification. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*. 42, 298-308.
- Manicavasagar, V., Silove, D., Franzcp, C., Franzcp, J. & Wagner, R. (2000). Continuities of separation anxiety from early life into adulthood. *Journal of Anxiety Disorder*, 14, 1-18.
- Manicavasagar, V., Silove, D., Wagner, R. & Drobny, J. (2003). A self-report measure for measuring separation anxiety in adulthood. *Comprehensive Psychiatry*. 44, 146-153.
- Ning, L., Yang, H. & Liu, J. (2014). Investigation research of occupational stress and job burnout for oil field workers in Xinjiang. *Journal of Hygiene Research*. 43(2), 245-
- Pereira, F., Barros, L & Mendonça, D. (2012). Cognitive Errors and Anxiety in School Aged Children. *Psicologia: Reflexao e Critica*. 25 (4), 0102-7972.
- Pini, S., Abelli, M., Shear, K. M., Cardini, A., Lari, L., Gesi, C. & et al. (2010). Frequency and clinical correlates of adult separation anxiety in a sample of 508 outpatients with mood and anxiety disorders. *Act Psychiatric Scandinavic*. 122, 40-46.
- Sezgin, F. (2012). İlköğretim okulu öğretmenlerinin psikolojik dayanıklılık düzeylerinin incelenmesi. *Kastamonu Eğitim Dergisi*, 20 (2), 489-502.
- Silove, D., Marnane, C., Wagner, R., Manicavasagar, V. & Rees, S. (2010). The prevalence and correlates of adult separation anxiety disorder in an anxiety clinic. *BMC Psychiatry*, 10, 21-27.
- Stirman, S.W., Pontoski, K., Creed, T., Xhezo, R., Evans, A.C., Beck, A.T. & Crits-Christoph, P. (2015). A Nonrandomized Comparison of Strategies for Consultation in a Community-Academic Training Program to Implement an Evidence. *Adm Policy Ment Health*, 44(1), 55-66.
- Strohmeier, C., Rosenfield, B., DiTomasso, R. & Ramsay, R. (2016). Assessment of the relationship between self-reported cognitive distortions and adult ADHD, anxiety, depression, and hopelessness. *Psychiatry Research*. 238, 153-158.